

شعر حکومتی: شعر و قدرت در ایران بعد از انقلاب

فاطمه شمس

دانشجوی دکتری، دانشگاه آکسفورد

شعرا در طول تاریخ باید بنویسند و به شعر، مردم را بیدار کنند.^۱

رونق "شعر حکومتی" یکی از پدیده‌های عرصه رسمی فرهنگ و ادبیات بعد از انقلاب ۱۳۵۷ در ایران است. مقاله حاضر چکیده‌ای از نوشتاری بلند درباره شعر و قدرت در ایران از آغاز تا امروز است که به چگونگی شکل‌گیری شعر حکومتی و نقش آن در عرصه رسمی ادبیات امروز ایران و نیز نقش حکومت در شکل‌گیری آن می‌پردازد. در این نوشته تلاش می‌کنم نشان دهم که حاکمیت فعلی چرا و چگونه در سه دهه گذشته با دولتی‌سازی شعر از آن به مثابه ابزار اجتماعی مهمی برای تثبیت ایدئولوژی انقلابی و پاکسازی نهاد ادبیات از سکولاریسم استفاده کرده است. همچنین، تلاش می‌کنم نشان دهم شعر تا چه اندازه وسیله تحرک و ارتقای شغلی شاعران حکومتی بوده است و از این رو، این جریان چه شباهت‌هایی با شعر درباری در دوران پیشامدرن

فاطمه شمس پژوهشگر ادبیات و دانشجوی دکتری دپارتمان شرق‌شناسی دانشگاه آکسفورد، شاعر و نویسنده است. پیش از این در دانشگاه تهران جامعه‌شناسی و در دانشگاه‌های آکسفورد و لندن ادبیات فارسی و تمدن‌های اسلامی خوانده است. حوزه پژوهشی‌اش رابطه ادبیات و سیاست است. هم‌اکنون در دپارتمان مطالعات شرقی دانشگاه آکسفورد زبان فارسی و نیز متون ادبی کلاسیک و مدرن فارسی تدریس می‌کند. اولین مجموعه شعر او با نام ۸۸ در سال ۲۰۱۳ منتشر شد.

Fatemeh Shams <faatemeh.shams@googlemail.com>

۱. روح‌الله خمینی، صحیفه نور (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، جلد ۱۷، ۳۱۰.

دارد. اگرچه سنت "شعرخوانی در برابر صله" به شکلی که در دربار پادشاهان، از دوران ساسانیان تا قاجار، رواج داشت امروز به چشم نمی‌آید، اما چنان که توضیح خواهم داد، این سنت از مدل رابطه فردی میان حاکم و شاعر که مختص دوران پیشامدرن است به رابطه‌ای سازمانی و بوروکراتیک تغییر شکل داده، ولی از بین نرفته است.

نگاهی به گذشته شعر و قدرت در ایران

جوزلین شارلت در مقدمه اثر ارزشمند خود درباره رابطه شعر فارسی و عربی با دستگاه سلطنت در دوران پیشامدرن به درستی اشاره می‌کند که "شعر در مقابل صله" فقط مبادله‌ای پایاپای میان قدرت حاکم و شاعران نبوده است.^۲ او با ذکر مثال‌های متعددی از رابطه شاعران درباری با پادشاهان ایرانی و سلاطین عرب نشان می‌دهد که اتفاقاً شعر یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ایجاد تحرک اجتماعی در بدنه قدرت و جامعه بوده است. به دیگر سخن، شاعران دربار از طریق کسب مهارت در فن فصاحت و بلاغت منزلت اجتماعی خود را در جامعه و نیز در ساختار قدرت ارتقا می‌دادند. ارتقا از مقام خنیاگر به شاعر و از شاعر به حکیم و مشاور اخلاقی در حلقه نزدیکان شاه بعد از قرن یازدهم قمری یکی از نشانه‌های این تحرک اجتماعی است.^۳

این شکل از ارتباط میان شعر و دربار تا اواخر قرن نوزدهم میلادی ادامه داشت، اما با خیزش مشروطه‌خواهان، شعر هم از سایه دربار کم‌کم بیرون آمد. از اواخر قرن نوزدهم میلادی به بعد، میان شعر و ساختار قدرت گسستی افتاد که تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد. شعر در دوره مشروطه رفته‌رفته از فنی برای سرگرمی و مدح قدرتمندان و توصیف طبیعت و ستایش معشوق به وسیله‌ای برای نقد قدرت و اعتراض اجتماعی تبدیل شد. این تغییر هم‌زمان با شروع اصلاحات مذهبی و مشروطه‌خواهی و محدودسازی قدرت دربار اتفاق افتاد. هم‌زمان با گسست رابطه شعر و دربار، فرم و محتوای آن هم تغییر کرد و شاعران مشروطه قالب‌های جدیدی از جمله مسمط و مستزاد را به کار گرفتند. قالب‌های کلاسیک هم از لحاظ محتوا تغییر چشمگیری پیدا کردند. از آن جمله باید به تولد غزل مشروطه اشاره کرد که با محور قرار دادن مفاهیمی چون وطن و آزادی انقلابی در شیوه رایج غزل به شمار می‌آمد و از لحاظ محتوایی فاصله زیادی با غزل‌های عاشقانه درباری داشت. قصیده هم که قرن‌ها رایج‌ترین قالب شعر درباری بود، به‌رغم محبوبیتش بین اندکی از شاعران قدمایی، در مجموع به شدت رو به افول گذاشت. شاعران

جزئیات به شرح این موضوع در دوران حاکمیت دربار می‌پردازد. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به:
S. J. Meisami, *Medieval Persian Court Poetry*
(Princeton: Princeton University Press, 1987).

2. J. Sharlet, *Patronage and Poetry in the Islamic World: Social Mobility and Status in the Medieval Middle East and Central Asia* (London & New York: I.B. Tauris, 2011).

۳. جولی اسکات میثمی در شعر درباری در ایران با ذکر

مشروطه‌خواه در مقام روشنفکران مستقل از قدرت به پیشگامان جنبش تبدیل شدند و گاه‌وبی‌گاه مورد غضب دستگاه قدرت قرار گرفتند. سرنوشت تلخ میرزاده عشقی^۴ و فرخی یزدی^۵ شاهدی بر این مدعاست.^۶

بعد از شهریور ۱۳۲۰ و در تمام دوران پهلوی دوم هم گسست شعر و دربار همچنان مشهود بود و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هم این گسست بیشتر شد. شاعران نوگرا از دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ میلادی به بعد، رفته‌رفته به مهم‌ترین حاملان جریان روشنفکری ایران تبدیل شدند. گرچه از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا واقعه سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، سانسور و سرکوب نویسندگان ادامه داشت، اما شاید بتوان اعدام خسرو گل‌سرخ، شاعر چریک ایرانی، در سال ۱۳۵۱ را یکی از نقاط اوج رویارویی و گسست میان شعر و شاعران و ساختار قدرت دانست. بعد از این اتفاق بود که شعر اعتراضی فارسی اوج گرفت. با راه‌اندازی شب‌های شعر گوته در پاییز ۱۳۵۶، گسست شعر و حاکمیت آشکارا رخ نمود و جرقه‌ای مهم در گُر گرفتن آتش انقلاب بود.^۷

در آستانه انقلاب ۱۳۵۷، بسیاری از شاعران مخالف رژیم با اشعار خود به استقبال انقلاب، و در رأس آن آیت‌الله خمینی، رفتند و با احیای شیوه مدیحه‌سرایی شاعران درباری معروفی چون انوری و منوچهری و استفاده از قالب‌ها و قوافی یکسان زبان به مدح آیت‌الله خمینی گشودند. از آن جمله بود اشعاری که نعمت میرزاده، شاعر چپ‌گرای منتقد شاه، با استقبال از انوری در وصف خمینی نوشت.^۸ بسیاری از شعرها اگرچه در وصف شخص خمینی نبودند، اما درونمایه اجتماعی داشتند و به انقلاب و نتایج آن امیدوار بودند. حتی در نشریات ادبی، از جمله نشریه ایران‌شهر، به سردبیری احمد شاملو، هم مقالاتی به قلم شاعران و نویسندگان منتقد شاه در دفاع از خمینی منتشر می‌شد.^۹

ایران، "فصلنامه زنده‌رود، شماره ۴۳-۴۵ (تابستان-زمستان ۱۳۸۶)، ۷۹-۱۲۰.
۸. نعمت میرزاده، "قصیده‌ای در مدح روح الله خمینی،" <http://iranglobal.info/node/19666>
۹. بنگرید به اسماعیل نوری علا، "اسلام واقعی که بت می‌شکنند، نه آنکه بت می‌آفریند!" ایران‌شهر (۲۳ آذرماه ۱۳۵۷). همچنین بنگرید به "تلگرام گروهی از اعضای کانون نویسندگان ایران به امام خمینی،" نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، شماره ۹۱ (سه‌شنبه، ۲۲ آبان‌ماه ۱۳۵۸).

۴. برای آگاهی بیشتر از سرنوشت عشقی بنگرید به محمد قائد عشقی: سیمای نجیب یک انارشیست (ویراست ۲؛ تهران: طرح نو، ۱۳۸۰).
۵. برای آگاهی بیشتر بنگرید به محمدعلی سپانلو، چهار شاعر آزادی (تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۷).
6. A. Gheissari, "The Poetry and Politics of Farrokhi Yazdi," *Iranian Studies*, 26 (1993), 30-35; H. Ha'iri, *Mirzadeh Eshghi, the centenary of his birth* (Tehran, Markaz, 1994).
۷. برای اطلاع بیشتر درباره شب‌های شعر گوته بنگرید به محمدحسین خسروپناه، "شبهای شعر شاعران و نویسندگان

شعر و قدرت بعد از انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷، شکاف عمیقی که در زمان شاه میان ملت و دولت و روشنفکران افتاده بود،^{۱۰} طبیعتاً برای مدتی جای خود را به پیوندی مقطعی داد و گسست عمیق میان شاعران و روشنفکران با حاکمیت هم برای مدتی کمرنگ شد، ولی خیلی زود دوباره سرکوب شاعران چپ‌گرا و سکولار در برنامه کار حکومت انقلابی قرار گرفت. اعدام سعید سلطانیور در سال ۱۳۶۰ و سانسور آثار اعضای کانون نویسندگان آغاز این گسست بود. پروژه پاکسازی این بار به دست انقلابیون صورت گرفت.^{۱۱} اما هم‌زمان با گسست مجدد شاعران و روشنفکران از ساختار حاکمیت، جریانی موازی در شعر و ادبیات و هنر شکل گرفت که رابطه‌ای تنگاتنگ با حکومت جدید داشت. این جریان به جریان شعر انقلابی و مکتبی معروف شد و در دوران جنگ ایران و عراق به اوج خود رسید. اولین کنگره شعر دانشجویی انقلاب در سال ۱۳۶۱ برگزار شد و شاعران طلبه و مذهبی برای اولین بار در این کنگره شرکت کردند.^{۱۲}

آیت‌الله خمینی و علاقه او به شعر نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت جریان شعر حکومتی داشت. او در کنار فعالیت‌های انقلابی خود علیه شاه، در سال‌های قبل از انقلاب و در دورانی که ساکن قم بود، درس عرفان خوانده بود و شعر کلاسیک می‌گفت. برخلاف محمدرضا پهلوی و پدرش، خمینی شعر و عرفان را جدی می‌گرفت و غزل‌های عاشقانه‌ای به سبک هندی و عراقی می‌سرود.^{۱۳}

روح‌الله خمینی اگرچه در زمان حکومت تقریباً ده ساله خود هیچ‌گاه نشست‌های منظمی با شاعران نداشت، ولی در سخنرانی‌های خود به اهمیت نقش شعر و شاعری در تبلیغ اسلام از طریق رواج مداحی اشاره می‌کرد.^{۱۴} حسین اسرافیلی، یکی از شاعران حکومتی، رابطه خمینی و شاعران این جریان را این‌گونه توصیف می‌کند:

رابطه مرید و مرادی امام با اهل فضل و ادب سبب توجه بیشتر شاعران به این پیر فرزانه و با کیاست است و همین امر نیز سبب شده تا بسیاری از شاعران عصر انقلاب در اشعار خود به نوعی مراتب عاشقانه خود را به آن حضرت نشان دهند.^{۱۵}

<http://www.mashregnews.ir/fa/news/166766>

۱۳. خمینی در شعرهای خود ضمن استقبال از شاعران کلاسیک، به خصوص حافظ و سعدی و مولوی و بیدل، در بیش از صد مورد به اشعار آنها ارجاع داده است.

[http://www.jambaran.ir/fa/NewsContent-](http://www.jambaran.ir/fa/NewsContent?id_22377.aspx)

۱۴. روح‌الله خمینی، صحیفه نور، جلد ۱۷، ۳۱۰.

۱۵. "بررسی نگاه عارفانه بنیانگذار انقلاب به روایت

۱۰. همایون کاتوزیان، تضاد دولت و ملت: نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب (تهران: نشر نی، ۱۳۸۰).

11. F. N. Ali Rahnama, *The Secular Miracle: Religion, Politics and Economic Policy in Iran* (London & New Jersey: Zed Books, 1990).

۱۲. "ماجرای شکل‌گیری جلسات شعر در حضور رهبری،" مشرق نیوز (۷ آبان ۱۳۹۱)، در

مجموعه شعر روح‌الله خمینی با عنوان باده عشق بعد از مرگش منتشر شده و شامل قصیده، رباعیات، ترجیعات و تعدادی از اشعار پراکنده اوست. این سطح از توجه به شعر او را از نگاه مفسران در ردیف پادشاهان شعردوستی چون نصر بن احمد بن اسماعیل، سلطان محمود غزنوی، شاه تهماسب صفوی و ناصرالدین شاه قاجار قرار می‌دهد.^{۱۶}

از جمله اولین اقداماتی که به دستور خمینی در عرصه فرهنگ اتفاق افتاد، اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و تأسیس نهادهای فرهنگی انقلابی در جریان انقلاب فرهنگی بود که وظیفه‌شان تولید آثار هنری و ادبی انقلابی و مکتبی بود. معروف‌ترین مرکزی که به انجام این وظیفه همت گماشت، حوزه هنر و اندیشه اسلامی بود که بعد از مدت کوتاهی به حوزه هنری معروف شد. حوزه هنری خیلی زود به یکی از زیرمجموعه‌های مهم سازمان تبلیغات اسلامی، بازوی اصلی فرهنگ‌سازی و انقلاب فرهنگی نظام جمهوری اسلامی، تبدیل شد و مهم‌ترین پاتوق شاعران مذهبی و انقلابی و مرکز تولید آثار ادبی و هنری ایدئولوژیک در سال‌های جنگ و پس از آن به شمار می‌رفت. نقش مهم این مرکز تربیت و سازماندهی نسل جدیدی از شاعران بود که بسیاری از آنان در طول دهه ۱۳۶۰ به عنوان شاعر حکومتی شناخته شدند.^{۱۷}

اینکه اولین بار چه کسی یا چه نهادی اصطلاح "شاعر و شعر حکومتی" را به کار برد، دقیقاً مستند نشده است. اما عنوانی بود که بعد از انقلاب به منظور مرزبندی ایدئولوژیک میان شاعران منتقد و طرفدار حکومت در دهه ۱۳۶۰ باب شد و به شاعرانی که با نهادهای فرهنگی تحت نظارت حکومت همکاری می‌کردند، محتوای شعرشان آمیخته با مفاهیم مذهبی و شیعی بود و با آرمان‌های انقلاب و ارزش‌های اسلامی هم‌گرایی داشتند، اطلاق می‌شد. گرچه شعر حکومتی از سال ۱۳۶۶ به بعد بر اثر اختلافات ایدئولوژیک در حوزه هنری دچار انشعاب‌های جدی شد، اما آنچه بین همه شاعران این جریان در دهه اول انقلاب مشترک بود، مرزبندی مذهبی، سیاسی و محتوایی آنها با شاعران چپ و لیبرال بود که اغلب‌شان سابقه عضویت در کانون نویسندگان ایران را داشتند. این مرکز در ابتدا برای مقابله با فعالان فرهنگی چپ و به منزله پاتوقی برای شاعران و هنرمندانی تأسیس شد که خود را "بچه‌مسلمان"^{۱۸} می‌دانستند. بیشتر اعضای حلقه

der Islamic Republic: An Extended History of the Center for Islamic Art and Thoughts," in K. Talattof (ed.), *New Leaves, Fresh Looks: Essays on Persian Language, Literature, and Culture* (Abingdon: Routledge, Forthcoming).

۱۸. مصاحبه با دو تن از اعضای حلقه اولیه حوزه هنری، تهران، پاییز ۱۳۸۷.

شاعران معاصر، در http://www.jamaran.ir/fa/NewsContent-id_23638.aspx

16. R. Khomeini, "Five mystical ghazals by the Ayatollah Khomeini," *Iranian Studies*, 30 (1977), 273-276.

17. F. Shams, "Literature, Art and Ideology Un-

اولیه حوزه هنری در حلقه شعر و داستان مسجد کرامت در تهران رفت‌وآمد داشتند و در گرماگرم انقلاب کم‌کم از یک حلقه ادبی هیئتی به نهادی رسمی و فرهنگی تبدیل شدند.

با تأسیس حوزه، جریانی موازی در شعر و ادبیات به وجود آمد که به خصوص در دوران جنگ بر گفتمان رسمی شعر کشور مسلط شد. بسیاری از شاعران جریان حوزه هنری به شاعران متعهد جنگ شهرت یافتند و با مرکز تبلیغات جنگ همکاری نزدیک داشتند. آثار آنها، برخلاف آثار شاعرانی که مستقل از قدرت بودند، به توسط انتشاراتی حوزه، که با عنوان برگ فعالیت می‌کرد، با تیراژ بالا منتشر می‌شد. اشعار برخی از شاعران این جریان، مثل حمید سبزواری، دستمایه سرودهای انقلابی و جنگی بود.

رابطه نزدیک دولتمردان انقلابی با این حلقه شعر از همان بدو تشکیل یکی از نشانه‌های مغالزه این جریان با قدرت حاکم بود. برای مثال، سیدعلی خامنه‌ای که در این دوره رئیس‌جمهور بود، گاه‌وبی‌گاه در شب شعرهای حوزه هنری رفت‌وآمد می‌کرد و در تشویق و پاگرفتن جریان شعر حکومتی نقش مهمی داشت.^{۱۹} بسیاری از شاعران انقلابی که در حوزه رفت‌وآمد می‌کردند، بعد از به رهبری رسیدن خامنه‌ای، در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به چهره‌های اصلی شب‌های شعر بیت رهبری تبدیل شدند که شرح آن در ادامه خواهد آمد.

خامنه‌ای و شب‌های شعر بیت رهبری

علاقه خامنه‌ای به شعر و حشر و نشر او با شاعران چه در دوران قبل از انقلاب و چه بعد از آن به مراتب بیشتر از خمینی بوده است. او قبل از انقلاب در انجمن‌های ادبی گوناگونی مثل فردوسی و فرخ و انجمن محمد قهرمان و قدسی در مشهد و انجمن ادبی قم شرکت می‌کرد. حتی در دوران زندان زمان شاه هم در حلقه شعر زندان عضو بود.^{۲۰} او که از دوران ریاست‌جمهوری‌اش در گعده شعر کوچکی در جمع شاعران انقلابی حاضر می‌شد، بعد از رسیدن به مقام رهبری تصمیم گرفت جلسات را به صورت جدی و گسترده در دفتر (بیت) خود برگزار کند. به این ترتیب، طرحی دقیق و جدی برای برگزاری شب‌های شعر در بیت رهبری با حمایت خود او ریخته شد و کار از نشست غیررسمی با چند شاعر انقلابی فراتر رفت و شکل جدی‌تری به خود گرفت. حوزه هنری مشهد و بعد تهران به عنوان مهم‌ترین نهاد فرهنگی و ادبی انقلابی، مسئولیت انتخاب و گزینش

۲۰. "گزارشی از حضور آیت‌الله خامنه‌ای در انجمن‌های شعری."

۱۹. "گزارشی از حضور آیت‌الله خامنه‌ای در انجمن‌های شعری،" در <http://www.hawzah.net/fa/article/articleview/93471>

شاعران را عهده‌دار شدند.^{۲۱} شاعرانی که از سراسر ایران به دیدار رهبر می‌آمدند، باید اول از صافی‌گزینش حوزه هنری عبور می‌کردند.

به گفته سیدعبدالله حسینی، از بنیان‌گذاران جلسات شب شعر رهبری، کلید این جلسات در ۱۳۶۳-۱۳۶۴ در مشهد زده شد؛ زمانی که سیدعلی خامنه‌ای برای سفر سالانه زیارتی خود به مشهد می‌رفت. عبدالله حسینی از شاعران انقلابی جوانی بود که با گرد هم آوردن حدود ۲۰ شاعر انقلابی اولین نشست‌های شعر با او را برگزار کرد. به گفته او، این جلسات اولین گام‌های شب‌های شعر بیت رهبری بودند که از دهه ۱۳۷۰ به خواست شخصی رهبر به صورت منظم تا امروز برگزار شده است.^{۲۲} از آغاز نشست‌های غیررسمی خامنه‌ای با شاعران در مشهد، یعنی در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴، زمان برگزاری جلسات پانزدهم ماه رمضان بوده است. طبق یک قانون نانوشته، همه این جلسات تا به حال در نیمه ماه رمضان برگزار شده است.^{۲۳}

بررسی بیش از ۱۵۰ کلیپ ویدئویی از این نشست‌ها نشان می‌دهد که بعد از دو دهه، نحوه برگزاری و کیفیت نمایش رسانه‌ای این جلسات روندی صعودی داشته است. اضافه شدن تیم حرفه‌ای فیلم‌برداری و عکس‌برداری به این جلسات و پخش منظم آن در رسانه ملی از اواسط دهه ۱۳۸۰ باعث شده است شب شعر بیت رهبری رفته‌رفته به یک برنامه تلویزیونی و مناسب ادبی رسمی تبدیل شود. این مراسم هر سال از تلویزیون پخش می‌شود و در وبسایت رسمی رهبر و وبسایت‌های وابسته، مثل فارس‌نیوز، در دسترس است و نیز در قالب کتاب و سی‌دی به صورت دقیق و با جزئیات کامل منتشر می‌شود.^{۲۴} برای مثال، کتاب *شب شاعران بیدل*، که در ۱۳۹۱ منتشر شد، شرح موبه‌موی این نشست‌ها و یکی از بهترین نمونه‌های شرح مجلس‌نویسی به شیوه تاریخ‌نگاران درباری است. پاورقی‌های تکراری با ذکر دقیق تعداد کلمات تحسین‌آمیز رهبر خطاب به شاعران و حتی توصیف حالت حزن و شادی او در حین قرائت اشعار در این کتاب اتفاقی تازه در سیاست‌های فرهنگی و ادبی جمهوری اسلامی محسوب می‌شود. در بعضی صفحات کتاب، تکیه‌کلام‌های رهبر در واکنش به برخی اشعار، به شکل "احسنت"، "آفرین" و "طیب‌الله انفاسکم" تا ۱۰ بار به تکرار و پشت سر هم در پاورقی ذکر شده است.^{۲۵}

ماه‌های عزاداری شیعیان محسوب می‌شود، اما نیمه رمضان روز شادی است و شاید انتخاب این روز برای برگزاری شب شعر به سبب کاستن از حساسیت‌ها باشد.
۲۴. از جمله بنگرید به *شب شاعران بیدل* (تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱)؛ و گزارشی از حاشیه‌های دیدار شعرا با رهبر در <http://www.fardanews.com/fa/news/158690>
۲۵. بنگرید به *شب شاعران بیدل*، پاورقی‌های صفحات

۲۱. "ماجرای شکل‌گیری جلسات شعر در حضور رهبری"، مشرق نیوز (۷ آبان ۱۳۹۱)، در <http://www.mashregnews.ir/fa/news/166766/>

۲۲. "ماجرای شکل‌گیری جلسات شعر در حضور رهبری"، ۲۳ روز ۱۵ رمضان، سال‌روز ولادت دومین امام شیعیان امام حسن مجتبی است. ماه رمضان به علت اینکه شهادت امام علی در این ماه واقع شده است، در مجموع جزو

شاعرانی که به صورت سالانه به دیدار رهبر می‌رفتند، در دهه هفتاد به "شاعر درباری" ملقب شدند. این اصطلاح به سبب هم‌گرایی این شاعران با قدرت حاکم پدیدار شد. موقعیت شغلی شماری از شاعرانی که چهره‌های ثابت دیدارهای سالانه بودند نشان می‌دهد که شعر و مشخصاً رابطه آن با قدرت حاکم چطور در تحرک و ارتقای مقام شغلی و اجتماعی آنها دخیل بوده است؛ یعنی درست همان نقشی که شعر در دربار سلطنت ایفا می‌کرد و ذکر آن در آغاز این نوشتار آمد، با این تفاوت که در شعر درباری، فن بلاغت و فصاحت در درجه اول اهمیت قرار داشت و در شعر حکومتی، هم‌گرایی با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلابی اولین ملاک ورود و ارتقا در این حلقه است. پست‌های فرهنگی و حکومتی شاعرانی چون محمدعلی معلم دامغانی (ریاست فرهنگستان هنر)، غلامعلی حداد عادل (مشاور عالی مقام رهبری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو شورای انقلاب فرهنگی، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، رئیس مجلس هفتم، نماینده مجالس ششم، هفتم، هشتم و نهم، استاد دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دایره‌المعارف اسلامی)، علی موسوی گرمارودی (رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی در تاجیکستان) و علیرضا قزوه (رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی در تاجیکستان و دهلی نو، رئیس شورای شعر سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران) مثال‌های خوبی برای نشان دادن نقش شعر حکومتی در ارتقای شغلی و تحرک اجتماعی شاعران این جریان‌اند.

یکی از شاخه‌های شعر حکومتی که در دهه گذشته بسیار رونق داشته است، شعر مذهبی یا آئینی است. تأکید خامنه‌ای به کیفیت شعرهایی که برای مداحی ائمه شیعه انتخاب می‌شود، از دلایل مهم ایجاد شب شعر جداگانه‌ای با نام شبی با شاعران آئینی در سال‌های اخیر بوده است که هم‌زمان با ایام فاطمیه برگزار می‌شود و به طور خاص به رواج شعر آئینی (شعر مذهبی) و صنعت مداحی می‌پردازد.^{۲۶} خامنه‌ای بارها تأکید کرده است که شاعران مذهبی، و به اصطلاح آئینی، باید شعر را در خدمت مداحی و روضه‌خوانی قرار دهند و قوه خلاقه خود را صرف ترویج شعر مذهبی کنند. از این منظر، نگاه او به نقش شعر در تقویت اعتقادات مذهبی به نگاه شاهان صفوی، به خصوص شاه اسماعیل و شاه تهماسب، بسیار نزدیک است. در هیچ دوره‌ای به اندازه این دو دوره شعر مذهبی و مدح امامان شیعه رواج نداشته است. جنگ ۸ ساله ایران، و عراق و در قلب آن شهادت‌طلبی، به ترویج تفکر عاشورایی در شعر حکومتی دامن زد، اما در دوران بعد

۲۶. "شب شعر آئینی با رهبر انقلاب"، در <http://film.tebyan.net/newindex.aspx?MusicID=90557&pid=150314>

۶۱ و ۶۳. همچنین، برای گزارش لحظه‌به‌لحظه یک شاهد عینی بنگرید به <http://www.payedars.blogfa.com/post-440.aspx>

از جنگ همواره این نگرانی وجود داشته است که این گفتمان به مرور کم‌رنگ شود و از همین رو، شعر حکومتی اهمیتی دوچندان نزد حاکمیت فعلی دارد. جشنواره‌های شعر متعدد و سکه‌های طلایی که تعدادشان در دوران احمدی‌نژاد به ۱۸ هزار رسید دامنه تلاش حکومت برای گسترش شعر مذهبی را نشان می‌دهد.^{۲۷}

شب‌های شعر بیت رهبری نشان از نگاهی نوستالژیک به رابطه شعر و قدرت در دوران پیشامدرن دارد، نگاهی که لزوماً ربطی به مذهب و ایدئولوژی مذهبی ندارد، بلکه به نظر می‌رسد در پی احیای همه اشکال یک مدل حاکمیت آرمانی است که در نظر حاکمان جمهوری اسلامی این مدل ایدئال مدل درباری پیشامدرن است. در این مدل، حاکم در جایگاه یگانه ناجی جامعه و موجد تغییرات عمیق و عمده اجتماعی شناخته می‌شود و از همه ابزارها از جمله شعر و ادبیات برای تثبیت قدرت خود استفاده می‌کند. این مدل نه فقط در حاکمیت مذهبی ایران، که در مدل حکومت‌های توتالیتر سکولار، از جمله روسیه، ایتالیا، آلمان و چین، هم دیده شده است. بنابراین، احیای پیوند میان شعر و قدرت و به طور خاص استقبال از ژانرهای خاصی از شعر، از جمله شعر حکومتی و آئینی توسط رهبر فعلی جمهوری اسلامی، را باید در روند مشروعیت‌بخشی به ساختار حاکمیت و تقویت ساختار قدرت بررسی کرد.

برای فهم اینکه چرا رهبر جمهوری اسلامی سال‌های اخیر این همه بر ایجاد حلقه‌های شعری تحت حمایت حکومت و رشد صعودی جوایز و جشنواره‌های شعر اخلاقی و مذهبی اصرار داشته است، باید به حرف‌های او خطاب به شاعران مراجعه کرد:

حلقه‌های فرهنگی خاص روی ذهن‌ها اثر می‌گذارد، من می‌خواهم بگویم شما جوان مومن و مقید و محب اهل بیت که با عشق و شوری راجع به اهل بیت صحبت می‌کنید و شعر می‌گویید این طور عاشقانه و زیبا سخنوری می‌کنید توجه داشته باشید که محیط‌ها شما را به سمت وسوهای دیگر نکشانند، ثبات قدم در این راه به خودتان بدهید، روزبه‌روز تقویتش کنید . . . انشاءالله سال‌ها بعد کسانی خواهند نشست و ممیزات و مشخصات سبک شعر امروز را در خواهند آورد؛ همچنان که ما بعدها نشستیم مثلاً سبک شعر دوره‌ی مشروطه را از مجموع آثاری که گفته شده بود، شناختیم، دست‌بندی کردیم، معنا کردیم؛ یا سبک هندی را یا بقیه‌ی سبک‌هایی را که وجود داشته. بنابراین سبک جدیدی به وجود آمده

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920307000357>

۲۷. گزارش فارس‌نیوز از جشنواره‌ها و جایزه‌های شعر حکومتی در دوران احمدی‌نژاد در

و دارد روزبه‌روز هم تکامل و رشد پیدا می‌کند. حتی من می‌بینم گاهی بعضی از شعرای ورزیده‌ی قدیمی خودمان که سبک کارشان مشخص و معلوم است و سال‌های متمادی با آن سبک شعر گفته‌اند، این اواخر دارند گرایش پیدا می‌کنند به همین سبک شعری که امروز وجود دارد؛ من این را توی اشعار بعضی از رفقای قدیمی خودمان که شعرای برجسته‌ی خوبی هستند، مشاهده می‌کنم. بنابراین خوشحالیم از اینکه الحمدلله حرکت شعری وجود دارد.^{۲۸}

بیش از یک دهه از زمانی که شب‌های شعر با رهبر فعلی جمهوری اسلامی شکل رسانه‌ای و رسمی به خود گرفت می‌گذرد. شاید سال‌ها پس از این دوران، مورخان ادبیات از شب‌های شعر بیت رهبری در ایران بعد از انقلاب چونان پدیده‌ای کم‌یاب یاد کنند که یک قرن بعد از انقطاع قدرت سیاسی از ادبیات، و به طور خاص از شعر و شاعران، در ایران اتفاق افتاد و تا حدود زیادی یادآور ساختار شعر درباری در دوران قبل از انقلاب مشروطه بود، با این تفاوت که تأکید بر محتوای اخلاقی و مذهبی و ایدئولوژیک در شعر حکومتی این دوره جای فنون بلاغی را گرفته است.